



پنجشنبه 9 آذر 1396 - 11 ربیع الاول 1439 - 30 نوامبر 2017

تصویب تأسیس بانک ملی توسط مجلس شورای ملی (1285 ش)

تصویب تأسیس بانک ملی توسط مجلس شورای ملی (1285 ش)

پس از استقرار مشروطیت، موضوع وام‏گیری ایران از روسیه و انگلیس باعث به هیجان آمدن احساسات عمومی و مخالفت قاطع نمایندگان مجلس اول با آن شد. از این رو طرح پیشنهاد تأسیس يك بانک ایرانی با سرمایه ایرانیان عنوان گردید و در تاریخ پنجم آذر 1285 ش نمایندگان مجلس، تأسیس يك بانک ملی را از دولت خواستار شدند تا بدین وسیله به دولت وام دهند. سپس طی چند جلسه بحث و بررسی درباره آن، تأسیس بانک ملی برای بی‏نیاز شدن از دریافت وام خارجی در نهم آذر آن سال از تصویب نمایندگان گذشت، این تصویب در بیستم آذر ماه به اطلاع عموم رسید و به بانک ملی اجازه داده شد که به معاملات زراعتی، رهن املاک، خرید و فروش برات‏های تجاری داخلی و خارجی و قرض و استقراض مبادرت ورزد. همچنین قرار بر این شد که سرمایه‏ای معادل یکصد و پنجاه میلیون ریال به عنوان سرمایه اولیه به بانک ملی تعلق گیرد و حساب‏های دولتی که تا آن وقت در بانک شاهنشاهی وابسته به دولت انگلیس تمرکز داشت به بانک ملی انتقال یابد. کوشش‏هایی که برای تأسیس بانک ملی صورت گرفت و استقبال بی‏نظیری که مردم برای ایجاد این بانک کردند با مخالفت‏های بیگانگان مواجه گشت و تغییر نگاهی وضع سیاسی ایران و انعقاد تقسیم ایران بین دولت‏های روس و انگلیس، طی قراردادی معروف به قرارداد 1907 همه این تلاش‏ها را ناکام گذاشت و بانک ملی در آن زمان به وجود نیامد. تأسیس بانک ملی هرچند با کارشکنی‏های بانک‏های خارجی و اقدامات محمدعلی شاه راه به جایی نبرد، اما جایگاه و اعتبار مجلس را در داخل و خارج برای همگان روشن ساخت. بانک ملی ایران در نهایت، 22 سال بعد، در هفدهم شهریور 1307 ش رسماً افتتاح شد و شروع به کار نمود.

صدور و انتشار اعلامیه سران سه کشور متفق در تهران (1322ش)

یکی از وقایع مهم و با اهمیت دوران جنگ جهانی دوم در زمان نخست‏وزیری علی سهیلی، تشکیل کنفرانس عالی سران سه کشور متفق در تهران است که بی‏شك در سرنوشت جنگ جهانی دوم و سرنوشت سیاسی ایران بسیار مهم بود. در این کنفرانس که از روز ششم آذر 1322 ش با حضور استالین، چرچیل و روزولت، رهبران اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان و آمریکا برگزار گردید، پیرامون پیروزی جنگ و کوتاه ساختن مدت جنگ تبادل نظر به وجود آمد و تصمیماتی اتخاذ گردید و در روز نهم آذر اعلامیه مشترکی درباره ایران منتشر کردند. در این اعلامیه، ضمن احترام به استقلال ارضی ایران، موافقت شد که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان جنگ، گریبانگیر ایران شود، از طرف کنفرانس‏ها یا مجامع بین‏المللی مورد توجه قرار گرفته و حل شود. ولی علی‏رغم این که طی این کنفرانس موافقت شد تا نیروهای متفق بلافاصله پس از پایان جنگ، خاک ایران را تخلیه کنند، با این حال، این نیروها به ویژه قوای روس، تا مدت‏ها پس از جنگ، از تخلیه ایران امتناع می‏کردند تا این که پس از شکایت ایران به مجامع جهانی، نیروهای خود را از ایران خارج ساختند.

برقراری مجدد حاکمیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک (1350 ش)

جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک تا سال 1283 ش (1904 م) که برای نخستین بار ناوهای جنگی انگلستان در ساحل آنها پهلو گرفته بود، جزئی از خاک ایران و تحت اداره بندرلنگه از توابع استان فارس بودند. در این سال، انگلستان این جزایر را به اشغال خود درآورد و ضمن پایین کشیدن پرچم ایران، مأمورین گمرک ایران را از آنجا اخراج نمود که این عمل شدیداً مورد اعتراض دولت وقت ایران قرار گرفت. يك سال بعد، دولت انگلستان به علت ضعف حکومت مرکزی، با يك اقدام موزیانه، پرچم امیرنشین شارجه را بر فراز جزایر مزبور به اهتزاز درآورد. در طول اشغال شصت و چهار ساله این جزایر از سال 1283 تا 1347 ش دولت ایران حتی در بدترین شرایط سیاسی از اعتراض به اشغال آنها خودداری نکرد. پس از جنگ جهانی دوم که قدرت انگلیسی‏ها در خلیج فارس کاهش یافت، دولت انگلستان مراقبت از سه جزیره مزبور، را به شیخ‏نشین شارجه واگذار کردند و ساکنان جزایر، تابعیت شارجه گرفتند. در سال 1350 ش دولت ایران به دنبال واگذاری بحرین و به رسمیت شناختن استقلال آن و صرف نظر کردن از حاکمیت خود در آن جزیره نفت‏خیز، درصدد برآمد به نحوی، حیثیت از دست رفته خود را جبران کند. از این رو، نیروی دریایی ایران، به یکباره در جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک که از قدیم الایام متعلق به ایران بود مستقر شدند و با سر و صدا، آن را توفیق بزرگ جنگی قلمداد نمودند. این عمل با اعتراض شیخ نشین‏های امارت متحده عربی مواجه گردید و آنان مدعی مالکیت جزایر شدند. هم‏چنین به دنبال این ماجرا، دولت وقت عراق روابط خود را با ایران قطع نمود و پارلمان کویت، قطع رابطه با ایران را مورد بررسی قرار داد. در بسیاری از کشورها علیه ایران تظاهراتی صورت گرفت و عراق به اخراج و آزار ایرانیان مقیم در آن کشور شدت بخشید. سرانجام بابت مالکیت یا تصرف غیرقانونی شیخ‏نشین شارجه، دولت

روز بزرگداشت "شیخ مفید"

تاریخ شیعه، سرشار از افتخارات بسیار و تحولات چشمگیر است؛ تحولاتی که به دست عالمان متعهد و فرزندان اندیشمند پدید آمده است. در این میان به سده چهارم هجری برمی‌خوریم که فتوح تاریخی شیعی است. روزگاری که مردی بزرگ و اندیشمندی سترگ "دایرةالمعارفی جامع" از معارف اسلامی تدوین کرد که نزدیک به پنجاه سال، پرچمدار عرصه‌های علمی، فکری و فرهنگی مسلمین گردید. سرانجام کار به جایی رسید که دوست و دشمن زبان به تمجید او گشودند و قلم به تعریف او برگرفتند و او را "مفید" لقب دادند. محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید در یازدهم ذی‌قعدة سال 336 ق در بغداد به دنیا آمد. از آنجا که پدر محمد شخصی پارسا و مذهبی بود و به تعلیم و تربیت اشتغال داشت، شیخ مفید در ابتدا به ابن‌المعلم ملقب گردید. او از کودکی به فراگیری علوم اسلامی روی آورد و هوش و استعداد سرشاری از خود نشان داد به طوری که قبل از دوازده سالگی از برخی محدثان، روایت اخذ کرده و از استاد خویش، شیخ صدوق، در قبل از بیست سالگی حدیث شنیده است. شیخ مفید همچنین از محضر درس استادان بزرگ عصر از جمله: علی بن عیسی رمّانی، جعفر بن محمد بن قولویه و محمد بن عمران مرزبانی بهره برد و به مقام والایی در فقه، کلام و ادب دست یافت. جاذبه فوق‌العاده و پشتکار فراوان شیخ مفید، موجب گرایش فاضلان بسیاری به حوزه درس وی گردید و باعث تالیف آثار گران‌بها و ارزشمند شد. شیخ مفید از یک‌سو، گروه بی‌شماری از دانشمندان مذاهب مختلف را تربیت نمود و مشعل‌های فروزانی چون سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی و نجاشی و ده‌ها نفر را تحویل حوزه‌های علمی و دینی داد و از سوی دیگر قلم به دست گرفت و با این سلاح برق‌آسا و ژرف، تحولاتی بهنگام، ایجاد کرد. تالیفات شیخ مفید را تا دویست کتاب گفته‌اند که شرح عقاید صدوق، الْمُقَنَّنَة، الاعلام، امالی، ارشاد و ده‌ها اثر گرانبها از آن جمله‌اند. شیخ مفید از جمله کسانی است که مورد اعتماد خاص حضرت ولی عصر(عج) بوده و نامه‌های زیادی از جانب امام مهدی(عج) برای شیخ ارسال شده است. بینش افروزی و دانش آفرینی وی به همراه آگاهی از اوضاع دشمنان و اطلاع از جهان اطراف باعث شد که او را سلسله جنبان نهضت فکری و علمی در قرن چهارم هجری کرد تا جایی که در صحیفه‌های سبز مهدوی(عج) از جانب حضرت ولی عصر، برادر گرامی و استوار خوانده شد. سرانجام، شیخ مفید این رادمرد علم و عمل و اسوه تقوا و فضیلت در سوم ماه رمضان سال 413 ق در 77 سالگی به دیدار معبود شتافت و پس از اقامه نماز توسط سیدمرتضی، در حرم امام موسی کاظم(ع) در کاظمین به خاک سپرده شد.

تولد عالم بزرگ شیعه "آقا بزرگ تهرانی" مؤلف و محقق شهیر (1293 ق)

شیخ محمدحسن رازی مشهور به شیخ آقابزرگ تهرانی، فقیهی محقق، مدقق، اصولی، رجال‌ی و جامع علوم متنوع و از شاگردان آخوند خراسانی، شیخ الشریعه و اصفهانی، سیدمحمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی است. علامه تهرانی، اهمیت بسیاری به روایت و نقل حدیث می‌داد و در کسب اجازه برای نقل احادیث می‌کوشید. علما و فقهای بسیاری برای او اجازه‌نامه‌های روایی نوشته یا از او اجازه گرفته‌اند، تا آنجا که پس از محدث نوری از او به عنوان سرشناس‌ترین شیخ روایت یاد می‌شود. آیت الله تهرانی از محدثان بزرگی همچون محدث نوری، شیخ علی خاقانی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد طه نجف، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه و اصفهانی، حاج شیخ عباس قمی و... اجازه‌های نقل حدیث گرفت. همچنین علمای بزرگی از شیخ آقابزرگ تهرانی اجازه‌های نقل روایت گرفته‌اند که حضرات آیات عظام: سیدحسین بروجردی، علامه امینی، سیدعبدالحسین شرف الدین، سید عبدالهادی شیرازی، سیدمحمد هادی میلانی، شیخ مرتضی حائری یزدی، محمدرضا حکیمی، علامه طباطبایی، سیدشهاب الدین مرعشی نجفی و ده‌ها عالم فاضل دیگر از آن جمله‌اند. آثار قلمی و کتاب‌های شیخ آقابزرگ تهرانی را تا هشتاد جلد می‌توان شمرد که الذریعة الی تصانیف الشیعه در 29 جلد در بیان آثار قلمی و هنری عالمان شیعه و نیز طبقات اعلام الشیعه در 20 جلد حاوی زندگی دانشمندان شیعه، مهم‌ترین آثار این رجال‌ی و محدث بزرگ می‌باشند. شیخ آقابزرگ تهرانی در سیزدهم ذیحجه و سال 1389 ق برابر با 12 اسفند 1348 ش در نجف وفات یافت و در آن شهر به خاک سپرده شد.

ژوزف کونیو، صنعت‌گر فرانسوی در 3 سپتامبر 1725م در خانواده‌ای فقیر متولد گردید و بنابراین همواره در تلاش برای معاش بود. وی که به کارهای صنعتی و فنی علاقه داشت بعد از 10 سال تلاش و کوشش موفق شد در 30 اکتبر 1769م اولین وسیله نقلیه بخاری را که به صورت خودرو ارائه شده بود، اختراع نماید. اتومبیلی که کونیو اختراع کرد سه چرخ داشت و با نیروی بخار کار می‌کرد. دیگ بخار این اتومبیل در جلو قرار داشت و سرعت آن پنج کیلومتر در ساعت بود. ژوزف کونیو مخترع بزرگ فرانسوی که پدر اتومبیل نامیده می‌شود، در 30 نوامبر 1804م در 79 سالگی درگذشت.

ایران مبلغ قابل ملاحظه‌ای به شیوخ پرداخت نمود و اوضاع تا حدودی به آرامش گرایید.